

اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق کیفری ایران

دکتر رجب گلدوست جویباری*

افشین عبداللهی**

چکیده

از مباحث مورد اختلاف بین حقوقدانان و قضات، حق متهم برای بیان آخرین دفاع و تکلیف یا عدم تکلیف به اخذ آن از سوی قضات می‌باشد. عده‌ای فقط در مواردی خاص اخذ آخرین دفاع را تکلیف دادگاه دانسته‌اند و حتی به اینکه آیا بیان آخرین دفاع حق متهم است یا خیر، اشاره‌ای نکرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد که اخذ آخرین دفاع از تکالیف دادرها و دادگاه‌ها (قضات) و بیان آن از حقوق متهم است؛ چرا که وقتی که جرمی به متهم نسبت داده شده و حیثیت اجتماعی او مورد خدشه واقع می‌شود، نظام قضایی کشور بایستی نسبت به متهم حساسیت بیشتری از خود نشان دهد و رعایت کلیه حقوق متهم را به موجب قوانین و راه کارهای قضایی سر لوحه‌ی تکالیف خود قرار دهد تا حقوق متهم به درستی تامین شود. ضمن آنکه اصل برائت نیز که به نفع متهم است چنین اقتضائاتی دارد. در این مقاله سعی شده است که این دیدگاه به طور تفصیلی مورد بحث و توجیه قرار گیرد.

کلید واژگان

اخذ، آخرین دفاع، حقوق متهم، قاضی.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

به موجب ماده یک قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، آئین دادرسی کیفری عبارتست از مجموعه اصول و مقرراتی که برای کشف و تحقیق جرایم، تعقیب مجرمان، نحوه رسیدگی و صدور رأی در دادگاه تجدید نظر و اجرای احکام تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است. همانگونه که از این تعریف پیداست، قانون آئین دادرسی کیفری از جمله قوانین شکلی است که در برگیرنده و تضمین کننده حقوق اصحاب دعوا می باشد. آئین دادرسی کیفری به معنای قانونمند کردن مراحل متعدد یک دادرسی است و اجرای صحیح آن ارتباط تنگاتنگی با حقوق اساسی اشخاص دارد.

قانون آئین دادرسی کیفری، به عنوان یک قانون عادی، بسیاری از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی را شامل می شود که در قانون اساسی هر کشوری به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره شده است. یکی از این حقوق، حق دفاع متهم است. در قانون آئین دادرسی کیفری ایران حق دفاع متهم تعریف نشده است، اما دکترین حقوق، تعاریف متعددی از آن به دست داده است. به عنوان مثال در تعریف حق دفاع آمده است: «حق دفاع عبارت است از اتخاذ آزادانه کلیه وسایل و طرق قانونی در برابر دعاوی و اتهام»^۱ و یا «حق دفاع عبارت است از مجموع تضمینات قانونی و قضایی که در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه و به دور از اشتباهات قضایی منظور گردیده است»^۲

۱. گلدوزیان، ایرج، حق دفاع در مراجع قضایی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، فصل اول، شماره سوم، خرداد و تیر ۱۳۷۱، ص ۴۰.

۲. آشوری، محمد، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره بیست و نهم، مهرماه ۱۳۷۲، ص ۲۱.

و یا «حق دفاع حقی است که به موجب آن هر فرد مورد تعقیب در محاکمه می‌تواند پیش از آنکه مورد حکم قرار گیرد، از خود دفاع کند».^۳ به عنوان یک تعریف کامل تر می‌توان حق دفاع را «حق طبیعی متهم در توسل به کلیه وسایل و طرق قانونی جهت پیشگیری از اثبات مجرمیت در کلیه مراحل رسیدگی کیفری» عنوان کرد. در هر صورت حق دفاع از حقوق طبیعی آدمی است و بر مبنای اصل براءت توجیه می‌گردد.^۴

چگونگی اخذ آخرین دفاع از متهم در یک دادرسی به لحاظ زمانی ممکن است حالات متعددی داشته باشد:

حالت اول، آن است که مرجع تحقیق پس از تحقیقات قضائی‌ای که به عمل می‌آورد، موفق به کشف دلایل کافی علیه متهم می‌شود، یا اینکه متهم در همان جلسه اول اقرار می‌کند، به نحوی که پس از تفهیم اتهام، نیازمند فرصتی دیگر برای اخذ آخرین دفاع نیست و مقام قضایی خود را بی‌نیاز از هرگونه تحقیق دیگری می‌داند. در این حالت مقام قضایی، در همان جلسه اتهام را به متهم تفهیم می‌کند و اظهارات و دفاعیات وی، از جمله آخرین دفاع را اخذ می‌کند.

حالت دوم، حالتی است که متهم در مرحله تحقیقات و تفهیم اتهام دفاعیاتی را از خود به عمل می‌آورد که مستلزم تحقیقات دیگری است. بنابراین مرجع قضایی در یک جلسه (که اولین جلسه است) نمی‌تواند ضمن تفهیم اتهام، آخرین دفاع را اخذ نماید. لذا با صدور یکی از قرارهای تأمین کیفری مناسب به ادامه تحقیقات می‌پردازد. در این فرض چنانچه متهم تأمین مورد نظر را بسپارد، آزاد می‌شود و مرجع قضایی هم به انجام تحقیقات خود

^۳. کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، نشریه حقوق مردم، شماره دوم، ۱۳۴۵، ص ۲۷.

^۴. دلاوری پاریزی، محسن، حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تطبیق آن در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰.

اقدام نموده و پس از آن وی را برای تفهیم اتهام مجدد و اخذ آخرین دفاع احضار می‌کند.^۵

حالت سوم، وقتی است که مرجع قضایی پس از انجام تحقیقات، متهم را برای تفهیم اتهام مجدد و اخذ آخرین دفاع احضار می‌کند؛ ولی متهم در آخرین دفاع دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز می‌نماید که مرجع قضایی علیرغم اخذ آخرین دفاع، در آن مورد خاص مکلف به رسیدگی می‌شود و پس از تحقیق در آن مورد خاص مکلف است دوباره آخرین دفاع متهم را اخذ نماید.

الف) حق داشتن فرصت معقول جهت دفاع

اعطای فرصت کافی به متهم، جهت دفاع از خود یکی از بدیهی‌ترین اصول دادرسی می‌باشد و هیچ نظام حقوقی، محاکمه متهم را بدون داشتن حق دفاع از خود، نمی‌پسندد. به این ترتیب که وقتی به وقوع جرم از سوی متهم یقین حاصل شد، باید فرصت و امکانات لازم به متهم داده شود تا اظهارات و دفاعیات خود را بیان کند، یا در صورت داشتن دلایلی مبنی بر عدم ارتکاب جرم بیگناهی و براءت خود را به اثبات برساند. شناسایی حق دفاع برای متهم، از بدیهی‌ترین حقوقی است که از یک جامعه انسانی می‌توان انتظار داشت؛ در واقع این حق «از مقدس‌ترین حقوق انسانی است که موجب تضمین آزادی‌های فردی است».^۶ ضمن آنکه این امر بیشتر از هر امر دیگری به کشف حقیقت کمک می‌کند چراکه متهم بیش از هر فرد و دستگاه و مقامی به حقیقت امر آگاه است و دفاع وی با کشف

۵. طاهرزاد، اسماعیل، به نقل از سایت دادگستری تهران، اخذ آخرین دفاع از متهم حق یا تکلیف، ۱۳۸۷.

۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۳.

حقیقت ملازمه و رابطه مستقیم دارد و چه بسا متهم در آخرین دفاع، دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید که قبلاً به آن اشاره نکرده و در کشف جرم و شناسایی شرکاء و معاونین احتمالی جرم مؤثر افتد.

اینکه فرصت مناسب جهت دفاع چقدر است و به چه ترتیبی متهم می‌تواند از آن بهره گیرد، به روشنی در قانون مشخص نشده است. مستفاد از بند (ب) ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اصحاب دعوا در صورت عدم آمادگی و فرصت کافی برای دفاع از خود می‌توانند درخواست مهلت نمایند و تشخیص موجه بودن استمهال با مرجع قضایی است.

همچنین مفهوم مخالف بند (ج) ماده ۱۷۷ قانون اخیر الذکر، این تکلیف را برای دادگاه تعیین نموده که در صورتی که اصحاب دعوا درخواست مهلت برای دفاع نموده باشند دادگاه باید مهلت مناسب به آنها بدهد.^۷

ب) توجیه اخذ آخرین دفاع

اخذ آخرین دفاع، آخرین مرحله تحقیق در دادرسی و آخرین مرحله رسیدگی در دادگاه است و فرصتی برای متهم پیش می‌آورد که آخرین حرفهای خود را مطرح کند. این مرحله شامل تمام دفاعیات متهم است که پس از تکمیل تحقیقات و مراحل مختلف دادرسی برای اخذ برائت یا کم کردن مسئولیت خود به عمل می‌آورد. پیش‌بینی اخذ آخرین دفاع، یک امر تشریفاتی نیست و اصولاً متهم باید بتواند از خود دفاع نماید و حکم به محکومیت متهم بدون آن به هیچ عنوان قابل توجیه نمی‌باشد. قاضی رسیدگی‌کننده، باید

۷. سلامی، محمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۱، ص ۲۹.

آخرین کلام متهم و علت ارتکاب جرم و چگونگی ارتکاب آن را استماع نموده و دفاعیاتش را بشنود؛ چراکه نحوه دفاع و حالات روحی و روانی متهم قبل، حین و بعد از ارتکاب جرم در ارزیابی شخصیت متهم و تعیین نوع قرار صادره از سوی دادسرا و تعیین نوع و مقدار مجازات از طرف دادگاه تأثیر دارد؛ و همین موارد است که حقوق متهم را توجیه می‌کند.

مثلاً اگر متهم به ارتکاب جرم اقرار نموده^۸ و سابقه محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد،^۹ دادستان می‌تواند با احراز سایر شرایط تعقیب کیفری او را معلق سازد. یا اگر متهم تحت تأثیر انگیزه شرافتمندانه‌ای مرتکب جرم شده باشد^{۱۰} و یا اینکه حین ارتکاب جرم یا بعد از آن برخوردار از وضعیت خاصی بوده باشد،^{۱۱} قاضی می‌تواند مجازات تعزیری یا بازدارنده او را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات از نوع دیگر نماید طوری که به حال متهم مناسب‌تر باشد.

همچنین قاضی می‌تواند با توجه به همین حالات روحی، روانی و شخصیت متهم، اگر مناسب دید به استناد ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات تعزیری یا بازدارنده او را برای مدتی (دو تا پنج سال) معلق نماید و باز هم با توجه به همین اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده وی، قاضی می‌تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل ماده ۲۸ قانون اخیر الذکر را از محکوم علیه بخواهد که محکوم علیه در این حالت مکلف به اجرای دستور دادگاه می‌باشد.

^۸. بند (۲) ماده ۴۰ مکرر الحاقی به قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰.

^۹. بند (۳) همان.

^{۱۰}. بند (۳) ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی.

^{۱۱}. بند (۵) همان.

ج) حق یا تکلیف بودن اخذ آخرین دفاع

حق شمردن اخذ آخرین دفاع از متهم ضمن اینکه متهم می‌تواند از انجام آن امتناع کند، از سوی برخی از حقوقدانان و تکلیف دانستن آن برای مراجع قضایی از سوی برخی دیگر، موجب شده است که هریک از این دو دیدگاه طرفدارانی را به خود اختصاص دهد. طرفداران نظریه اول^{۱۲} اینگونه عنوان می‌دارند که:

۱. دفاع، حقی است برای متهم، مانند سایر حقوق و صاحب حق در استفاده از آن آزاد می‌باشد. لذا مجبور نمودن متهم به استفاده از حقوق خود، امری غیر عقلایی و خلاف قانون است.
۲. قانون آئین دادرس کیفری مصوب ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن، به صراحت ماده ۳۰۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، نسخ شده است و از اینرو نمی‌توان از قانون منسوخ استفاده نمود.
۳. در قانون سال ۱۳۷۸ مرجع قضایی به موجب هیچ یک از مواد قانون، مکلف به جلب متهم، برای اخذ آخرین دفاع نشده است.
۴. عدم استفاده اختیاری متهم از این حق، به مفهوم قبول اتهام انتسابی است به این معنی که چون دفاع جدیدی ندارد، لزومی هم به حضور مجدد در دادگاه نمی‌بیند.
۵. جلب، ابزاری قاهرانه است که مقام قضایی به عنوان تکلیف قانونی، در مرحله پیش از تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین، برای دسترسی به متهم از آن استفاده

۱۲. طاهرزاد، اسماعیل، همان.

- می‌کند و به لحاظ مفسده‌ای که در پی دارد منطقی نیست که از این ابزار برای اجبار اشخاص به استفاده از حقوق قانونی‌شان علیه آنها استفاده شود.
۶. چه بسا پس از جلب متهم برای اخذ آخرین دفاع، وی از هر گونه دفاع امتناع نموده و سکوت اختیار کند.
- در مقابل طرفداران نظریه دوم^{۱۳} عقیده دارند که:
۱. قانون آئین دادرسی کیفری از جمله قوانین و تشریفات آمرانه‌ای است که مراجع قضایی به اختیار خود حق چشم پوشی از آن را ندارند و برای قاضی تکلیف قانونی است؛ چراکه اجرای کامل آن ضامن حقوق متهم است.
 ۲. وفق ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ابتدا متهم احضار می‌شود. برابر ماده ۱۱۶ همان قانون متهم مکلف است که در موعد مقرر حاضر شود و یا برای عدم حضور خود عذر موجهی اعلام نماید. براساس ماده ۱۱۷ قانون یادشده متهمی که به این تکالیف عمل نکند به دستور قاضی جلب می‌شود؛ زیرا نتیجه عدم حضور جلب است.
 ۳. آئین دادرسی کیفری، مجموعه‌ای است از قواعد و اصول و مقررات، برای کشف حقیقت و چه بسا متهم پس از جلب در مرحله آخرین دفاع مطالبی را بیان نماید که موجب برائت او شود، یا علیرغم اینکه دلیلی علیه او مبنی بر ارتکاب جرم در دست نیست، به ارتکاب جرم اقرار کند.
 ۴. حصول قناعت کیفری، برای قاضی کیفری، امری لازم و ضروری است. بنابراین هدف از خواستن متهم و جلب وی برای اخذ آخرین دفاع این است که به متهم

۱۳. گلدوست جویباری، رجب، تقریرات درس آیین دادرسی کیفری، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷.

تفہیم شود علاوه بر ادله قبلی جمع آوری شده در مرحله تفہیم اتهام، دلایل دیگری علیہ وی کشف شده و بنابراین حضور متهم برای تفہیم دلایل جدید و نیز دلایل قبلی و استماع آخرین دفاعیات وی امری ضروری است.

با ملاحظہ نظرات ہر دو گروہ، در مقام نتیجہ گیری می توان گفت، نظریہ دوم بہ این دلیل کہ حقوق متهم طبق آن بہتر تأمین و حفظ می شود، مناسب تر است؛ زیرا متهم ممکن است در آخرین دفاع اظہار جدیدی بیان دارد (کہ این اظہار می تواند مشتمل بر اقرار یا دلیل جدیدی موثر بر کشف حقیقت باشد) و یا اینکه قاضی با توجہ بہ تفہیم اتهام، اخذ آخرین دفاع متهم و سایر اوضاع و احوال بہ نتیجہ دیگری برسد کہ سرنوشت پروندہ و نظر قاضی را در خصوص صدور نوع قراری کہ می خواهد صادر کند، تغییر دہد. مثلاً فرض می کنیم کہ شخصی مرتکب جرمی شدہ است و توسط مقام قضایی تحت تعقیب است، ولی بعد از پایان تحقیقات دلیلی مبنی بر ارتکاب جرم از سوی او بہ دست نمی آید؛ اما متهم بہ ہنگام اخذ آخرین دفاع بہ ارتکاب جرم اقرار می کند؛ لذا بازپرس یا دادیار کہ قبل از این مرحلہ در صدد صدور قرار منع تعقیب بودہ اند با توجہ بہ اقرار متهم در ہنگام اخذ آخرین دفاع، باید قرار مجرمیت صادر نمایند.

بہ عبارت دیگر، با توجہ بہ اینکه وظیفہ مراجع قضایی احقاق حقوق شاکی، کشف جرم و تعقیب مجرمین در راستای حفظ نظم و حقوق اجتماعی است؛ اخذ آخرین دفاع از متهم برای این مراجع یک تکلیف است؛ ضمن آنکہ اخذ آخرین دفاع در راستای حفظ حقوق دفاعی متهم، آگاهی داشتن از اتهام انتسابی بہ او و دادن فرصت کافی بہ متهم جهت ارائه آخرین اظهارات و دفاعیات، حق متهم است.

در پایان این مبحث، مفید است بہ استثنائی در این مورد اشارہ کنیم و آن این است کہ اگر موضوع تحت پیگرد، جرم نباشد ولی با تصور جرم بودن از طرف مقام قضایی، شخص

مورد تعقیب واقع شود، با توجه به اینکه جرمی واقع نشده و نظم اجتماعی به هم نخورده، می‌توان گفت که لازم نیست متهم برای اخذ آخرین دفاع احضار یا جلب گردد.

د) اخذ آخرین دفاع در قانون و رویه قضایی

اول: در دادسرا آخرین دفاع، بایستی وقتی اخذ شود که دیگر به هیچ تحقیق مجددی نیاز نباشد و متعاب آن قرار نهایی صادر گردد، بجز در مواردی که با توجه به آخرین دفاع اقدام به تحقیقات جدیدی لازم شود که در این مورد اخیر نیز مجدداً باید آخرین دفاع اخذ شود. به هر حال پس از اتمام تحقیقات مقدماتی مانند بازجویی از شاکی و متهم، تحقیق از شهود و مطلعین، اخذ نظریه کارشناسی، انجام معاینات و تحقیقات محلی و ... بازپرس یا دادیار بایستی بار دیگر متهم را برای اخذ آخرین دفاع احضار کنند و در صورتی که عقیده به مجرمیت متهم داشته باشند مکلف‌اند پیش از صدور قرار مجرمیت یا تفهیم مجدد اتهام و کلیه دلایل و مدارک آن از متهم بخواهند که اگر در براءت از خود مطلبی دارد به عنوان آخرین دفاع بیان نماید و اگر عقیده بر عدم مجرمیت متهم داشته باشند یا دلایل و مدارک ارتکاب جرم از سوی متهم کافی نباشد یا در مورد جرم یا متهم یکی از موارد ماده ۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری^{۱۴} پیش آمده باشد باید یکی از قرارهای منع تعقیب یا موقوفی تعقیب را صادر کنند.

۱۴. این موارد عبارتند از:

- الف: فوت متهم یا محکوم‌علیه در مجازات‌های شخصی.
- ب: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت.
- ج: مشمولان عفو.
- د: نسخ مجازات قانونی.
- و: اعتبار امر مختومه.
- ن: مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده.

عقیده برخی نویسندگان بر این است که اخذ آخرین دفاع در صورتی ضرورت پیدا می‌کند که قاضی تحقیق (بازپرس) عقیده بر مجرمیت متهم داشته باشد و در مقام صدور قرار مجرمیت برآید.^{۱۵} ولی آنچه از اطلاق بند (ک) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، اصلاحیه سال ۸۱ برمی آید خلاف این نظر است. بند اخیرالذکر عنوان می‌دارد که: «پس از آنکه تحقیقات پایان یافت، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده و با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان می‌فرستد. در صورتی که به عقیده بازپرس عمل متضمن جرمی نبوده یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده بازپرس بر تقصیر متهم، قرار مجرمیت در باره ایشان از طرف بازپرس صادر می‌شود...». مطابق این بند، بازپرس در هر حال بایستی آخرین دفاع متهم را اخذ نماید و با اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان بفرستد؛ چه عقیده او مبنی بر صدور قرار منع تعقیب باشد و چه مبنی بر صدور قرار مجرمیت؛ زیرا از هیچ قسمت این بند نمی‌توان اختیاری بودن اخذ آخرین دفاع را استنباط کرد، چرا که در این صورت در بند می‌بایست از عباراتی مانند (بازپرس می‌تواند) یا (بازپرس مخیر است) استفاده می‌شد. توجه به این قسمت از بند (ک) که عنوان می‌دارد: «... بازپرس آخرین دفاع را استماع نموده و با اظهار عقیده خود (چه قرار منع تعقیب و چه قرار مجرمیت) پرونده را نزد دادستان می‌فرستد...»، مؤید این استدلال است. لذا بازپرس مکلف است پس از پایان تحقیقات آخرین دفاع را اخذ نماید. علاوه بر این همان طور که در بحث‌های پیشین گفتیم ممکن است جرمی واقع شود و شخصی به اتهام آن تحت تعقیب قرار گیرد، ولی ادله کافی مبنی بر ارتکاب جرم توسط او وجود نداشته

۱۵. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد پنجم، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

باشد، در چنین حالتی بازپرس در صدد صدور قرار منع تعقیب برمی آید، ولی متهم در هنگام اخذ آخرین دفاع به ارتکاب جرم اقرار می نماید که در این حالت بازپرس به جای صدور قرار منع تعقیب بایستی قرار مجرمیت صادر کند.

در این باره آرائی هم از سوی دادگاه انتظامی قضات صادر شده است که مؤید همین نظر است، برای مثال:

«با عنایت به ماده ۱۶۱ قانون اصول محاکمات جزایی (بند ک ماده فوق الذکر فعلی) بازپرس دادسرا در ... و عدم اخذ آخرین دفاع نسبت به یکی از متهمین، مرتکب تخلف شده است».^{۱۶}

همچنین در رأی دیگری در این مورد می خوانیم:

«عدم رعایت دستور ماده ۱۶۱ قانون اصول محاکمات جزایی (بند ک ماده فوق الذکر فعلی)، یعنی تکلیف نکردن بازپرس به اخذ آخرین دفاع، تخلف است».^{۱۷}

البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که تکلیف بازپرس به اخذ آخرین دفاع، وقتی است که متهم در دسترس باشد. بنابراین اگر متهم در دسترس نبوده و جرم جنبه عمومی یا حق الناسی داشته باشد با توجه به ماده ۱۸۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، می توان گفت که بازپرس بایستی تحقیقات خود را انجام دهد و در نهایت قرار خود را صادر نماید، مگر اینکه جرم جنبه حق اللهی داشته باشد که در اینصورت پرونده تا دسترسی به متهم مفتوح می ماند.

۱۶. دادنامه شماره ۱۸۵ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶، دادگاه انتظامی قضات، به نقل از کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی، روزنامه رسمی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۳۷۴.

۱۷. حکم شماره ۱۴ مورخ ۱۳۵۶/۴/۲۴، دادگاه انتظامی قضات، به نقل از کتاب رویه قضایی در ارتباط با بازپرس، معاونت آموزش قوه قضاییه نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹.

قسمت آخر بند (ک) ماده ۳ در ادامه اظهار می‌دارد: «... و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید بازپرس مکلف به رسیدگی است. بنابراین بازپرس بدون حدوث دلیل جدید نمی‌تواند مجدداً مبادرت به اخذ آخرین دفاع نماید و یا اینکه رسیدگی را به تأخیر اندازد. دادگاه انتظامی قضات در این خصوص طی حکمی اظهار داشته که: «... با توجه به ماده ۱۶۱ قانون اصول محاکمات جزایی (بند ک ماده اخیرالذکر) دادیار دادرسی در تجدید تحقیق و اخذ آخرین دفاع مجدداً پس از تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع بدون حدوث دلیل جدید مرتکب تخلف شده است».^{۱۸}

در حقوق انگلیس نیز در یک محاکمه جزایی صرف نظر از جمع بندی استدلالات قاضی آخرین دفاع متعلق به متهم است. به این معنی که پس از طرح آخرین ادعاهای دادستان، وکیل متهم، آخرین دفاعیات متهم را به هیأت منصفه ارائه می‌نماید.^{۱۹}

در حقوق فرانسه نیز قانونگذار یک سلسله اقدامات برای تأمین احترام حق دفاع، در مراحل پلیسی، تحقیقات مقدماتی و صدور رأی در نظر گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان به ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور اشاره کرد که به موجب آن متهم یا وکیل وی در دادگاه حق آخرین دفاع را دارند.^{۲۰}

^{۱۸}. دادنامه شماره ۵۴ مورخ ۱۳۷۴/۵/۸، به نقل از کتاب رویه قضایی در ارتباط با دادیار، معاونت آموزش قوه قضائیه، جلد ۱، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶.

^{۱۹}. مهر، نسرین، تقریرات درس متون حقوقی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷.

^{۲۰}. استفانی، گاستون؛ لواسو، ژرژ؛ بولوک، برنار، آیین دادرسی کیفری فرانسه، موضوع و نهادهای دادرسی کیفری، مترجم دادبان، حسن، جلد اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۵۳.

سوالی که در این رابطه پیش می‌آید این است که اگر متهم در آخرین دفاع، دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز کند و بازپرس در خصوص آن دلیل جدید رسیدگی نماید، آیا دوباره اخذ آخرین دفاع لازم است یا خیر؟ با توجه به رأی اخیرالذکر دادگاه انتظامی قضات، می‌توان گفت که پاسخ این سؤال مثبت است؛ زیرا همانطور که در متن این رأی آمده، اخذ آخرین دفاع مجدد، بدون حدوث دلیل جدید تخلف است. بنابراین طبق مفهوم مخالف این رأی، اخذ آخرین دفاع مجدد پس از حدوث دلیل جدید، تخلف به شمار نمی‌آید. علاوه بر این، همان گونه که در ابتدای این بخش گفتیم و طبق آنچه از بند (ک) ماده ۳ برمی‌آید، آخرین دفاع وقتی گرفته می‌شود که به هیچ تحقیق مجددی نیاز نباشد و متعاقب آن قرار نهایی صادر گردد.

سؤال دیگر در این رابطه این است که آیا جلب متهم، جهت اخذ آخرین دفاع ضرورت دارد یا خیر؟ در این رابطه نشست قضائی قضات دادگستری استان تهران اظهار داشته است: «...نظر به این که آخرین دفاع، از حقوق متهم است لذا جلب متهم ضرورت ندارد و بازپرس می‌تواند بدون استماع آخرین دفاع اظهار نظر نماید».^{۲۱}

ولی این پاسخ نادرست به نظر می‌رسد؛ زیرا همانطور که در انتهای بخش «د» گفته شد، اخذ آخرین دفاع از جهت حفظ نظم و حقوق اجتماعی، تکلیف بازپرس و از جهت حفظ حقوق دفاع متهم، حق متهم می‌باشد و در تقابل بین این دو امر بایستی حفظ نظم و حقوق اجتماعی را بر حقوق متهم غلبه داده و قائل باشیم که بازپرس می‌تواند برای اخذ آخرین دفاع متهم را جلب نماید. استدلال دیگری که این نظر را توجیه می‌کند تبصره ماده ۱۳۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد. این تبصره

۲۱. سلسله نشست‌های قضایی قضات دادگستری استان تهران، به نقل از کتاب رویه قضایی در ارتباط با بازپرس، ص ۱۶۹.

مقرر می‌دارد در صورت احضار متهم توسط قاضی (بازپرس) و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه گذار، وجه الکفاله یا وثیقه ضبط خواهد شد. با توجه به این تبصره می‌توان گفت که یکی از موارد احضار، احضار متهم برای اخذ آخرین دفاع است.

دوم: دادگاه پس از دعوت از طرفین، استماع اظهارات شاکی، تحقیق از متهم، استماع اظهارات اهل خبره، رسیدگی به سایر دلایل و پس از پایان مذاکرات باید به عنوان آخرین دفاع به متهم اجازه صحبت داده و پس از امضای طرفین ختم رسیدگی را اعلام نماید. بنابراین در دادگاه نیز مانند دادسرا، آخرین دفاع بایستی وقتی اخذ شود که به هیچ تحقیق مجددی نیاز نباشد و متعاقب آن ختم رسیدگی اعلام و رأی صادر شود.

در مورد حضور و عدم حضور متهم باید گفت، اگر موضوع جنبه حقوق عمومی یا حق الناسی داشته باشد و متهم در دسترس باشد و یا به علت شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلبش مقدور نباشد، دادگاه وقت رسیدگی و نوع اتهام را یکبار در روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می‌کند و سپس اگر متهم حضور پیدا نکرد اقدام به صدور رأی غیابی می‌نماید. اما هرگاه موضوع جنبه حق اللهی داشته باشد یا اینکه دادگاه حضور متهم را لازم بداند و بدون حضور او نتواند رسیدگی و صدور حکم نماید، باید اگر متهم بدون عذر موجه حاضر نشد، او را جلب کند و اگر جلب، ممکن نشد تا دستیابی به او و اخذ آخرین دفاع از وی پرونده را مفتوح نگه دارد.

نکته‌ای که باید به آن اشاره داشت این است که اگر متهم در دسترس نباشد باید در هر حال آخرین دفاع از او اخذ شود، چه جرم جنبه حق الناسی و حقوق عمومی داشته باشد و چه جنبه حق اللهی، و گرنه همانطور که دادگاه انتظامی قضات در رأی زیر عنوان داشته، عدم اخذ آخرین دفاع توسط قاضی دادگاه تخلف است:

«در آخرین دفاع... رئیس دادگاه کیفری ۲ (دادگاههای عمومی فعلی) که اظهارات شکات و دفاع متهمان را در صورت جلسه دادرسی قید نکرده و آخرین دفاع متهمان را منعکس ننموده... مرتکب تخلف شده است».^{۲۲}

سوالی که در این رابطه به ذهن می رسد، این است که آیا تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع در دادسرا یا دادگاه مجری نیابت می تواند باعث حضوری شدن رأی گردد؟ در این خصوص بین اعضای کمیسیون امور حقوقی و قضایی دادگستری استان تهران اختلاف نظر وجود داشت. اکثریت می گفتند با توجه به اینکه اقدامات و تحقیقات دادگاه مجری نیابت به موجب ماده ۵۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به تقاضای دادگاه صادرکننده رأی بوده و مطابق درخواست او صورت می گیرد؛ مباشرت دادگاه صادرکننده رأی جز در موارد مصرحه مذکور در تبصره ماده ۵۹ موصوف شرط نمی باشد، لذا اقدامات دادگاه مجری نیابت در تحقیق از متهم و اخذ آخرین دفاع از متهم به منزله اتهام دادگاه صادرکننده رأی بوده و به موجب ماده ۲۱۷ همان قانون، حضور متهم در جلسه دادگاه نیابت دهنده تلقی شده و حکم صادره حضوری می باشد. اما مطابق نظر اقلیت، مرحله تحقیقات از مرحله محاکمه جداست و هر چند امر تحقیقات در مراحل قابل اعطای نیابت است، لیکن محاکمه و صدور حکم قابل نیابت نیست. بنابراین طبق ماده ۱۷۷ آن قانون، دادگاه باید با تشکیل جلسه رسمی مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید و نمی تواند به تحقیقاتی که دادگاه مجری نیابت انجام داده، اکتفا نماید و ملاک حضوری تلقی شدن رأی بر اساس ماده ۲۱۷ قانون مارالذکر نیز حضور متهم در دادگاه یا تقدیم لایحه به همین دادگاه است. به عبارت دیگر اقدامات دادگاه مجری نیابت، در امر تحقیقات

^{۲۲}. دادنامه شماره ۴۶، مورخ ۱۳۶۸/۳/۲۸، دادگاه انتظامی قضات، به نقل از کتاب رویه قضایی در ارتباط با دادر، همان، ص ۲۰۳.

نمی‌تواند موجب حضوری تلقی شدن رأی باشد.^{۲۳} با مقایسه این دو نظر، به نظر می‌رسد که نظر دوم مناسب‌تر باشد. چرا که رأی وقتی حضوری است که متهم حداقل در یکی از جلسات دادرسی و در مقام دادرسی و محاکمه حضور یابد و یا اینکه لایحه‌ای نسبت به اتهام انتسابی به دادگاه بفرستد؛ لذا تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع در دادسرا و دادگاه مجری نیابت نمی‌تواند باعث حضوری تلقی شدن رأی باشد. همین استدلال وقتی که حکم تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع، در دادسرای حوزه همان دادگاه صورت گرفته ولی متهم در هیچ یک از جلسات دادگاه حضور نیافته و لایحه نیز نفرستاده است، می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. بنابراین در صورت صدور رأی، رأی غیابی خواهد بود.

و) در قوانین و اسناد بین‌المللی

تقریباً در تمام اسنادی که تاکنون درباره حقوق بشر به تصویب مراجع بین‌المللی رسیده است، مضمون واحدی به چشم می‌خورد. به طور خلاصه این اسناد به این نکته متعاقدند که بشر از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که باید به گونه‌های مؤثر از آن حمایت شود و دولت‌ها نیز موظفند در صورت نقض این حقوق، تدابیری مطمئن برای احقاق حقوق افراد بیاندیشند. در میان انبوه قوانین، بالاخص قانون آئین دادرسی کیفری نقش عمده‌ای در بقا و دوام نظم جامعه ایفا می‌کند. تعقیب و محاکمه و صدور حکم محکومیت درباره بزه‌کاران و در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق آنان و جلوگیری از صدور محکومیت‌های ناروا که از اهم اهداف آئین دادرسی کیفری است، ارتباط دقیق با نظم جامعه بین‌المللی دارد. بدیهی است ضمن حفظ منافع جامعه، نباید حقوق متهم از بین برود؛

^{۲۳}. مجموعه نظریات کمیسیون امور حقوقی و قضایی دادگستری استان تهران، سؤال ۱۸۸، مورخ ۱۰/۱۵/۱۳۷۹ به نقل از سلامی، محمد، همان.

زیرا عدالت اقتضا می‌کند که بزه‌کار واقعی به مجازات محکوم شود و شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام جرم است، امکان دفاع از خود را داشته باشد. مفاهیم و معیارهایی که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته است، بر قوانین و مقررات ملی بویژه آیین دادرسی کیفری تأثیری آشکار داشته است. بارزترین جنبه چنین تأثیری، حقوق متهم در برابر دادگاه است. فهرست اجمالی حقوق مورد بحث بدین قرار است: حاکمیت پیش‌فرض براءت،^{۲۴} منع اجبار به اقرار،^{۲۵} تساوی افراد در برابر دادگاه،^{۲۶} منع توقیف یا حبس یا تبعید خودسرانه،^{۲۷} محاکمه منصفانه و عادلانه در دادگاه صالح مستقل و بیطرف،^{۲۸} حق انتخاب وکیل،^{۲۹} دادن مترجم رایگان،^{۳۰} حق حضور فوری در برابر دادگاه و محاکمه بدون تأخیر،^{۳۱} تفهیم اتهام و علت آن،^{۳۲} مواجهه با شهود مخالف،^{۳۳} برخورداری از تضمین‌های دفاع،^{۳۴} منع محاکمه و اجرای مجازات مضاعف.^{۳۵}

۲۴. امیرارجمند، اردشیر، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ

اول، ۱۳۸۱، ص ۷۳.

۲۵. همان.

۲۶. همان.

۲۷. همان.

۲۸. همان.

۲۹. همان.

۳۰. همان.

۳۱. آشوری، محمد؛ بشیریه، حسین، هاشمی، سید محمد، یزدی، عبدالمجید؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات،

انصاف و عدالت، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۳۲۵، بند (۱) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

۳۲. همان.

۳۳. همان.

همانطور که ملاحظه می‌شود در قوانین و اسناد بین‌المللی حق دفاع و تضمین‌های دفاعی متهم نادیده گرفته نشده است و برخورداری متهم از وقت و فرصت کافی برای دفاع از خود مورد تأکید قرار گرفته است.

از میان این قوانین می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره داشت که در بند اول ماده ۱۱ عنوان داشته: «هر کس که بزهکاری‌ای متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تفصیر او قانوناً احراز گردد که می‌توان گفت از جمله تضمین‌های لازم برای دفاع»^{۳۶} متهم از خود، اخذ آخرین دفاع از اوست. همچنین میثاق بین‌المللی و حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز به آن پیوسته است در بند (ب) از ماده ۳ مقرر می‌دارد که «وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود (متهم) وجود داشته باشد»^{۳۷} که در این خصوص نیز می‌توان گفت وقت و تسهیلات کافی برای دفاع، شامل استماع آخرین دفاع می‌شود. مورد دیگر بند (۳) از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که اظهار می‌دارد: متهم «از فرصت و تسهیلات کافی جهت تمهید دفاعیه خود بهره‌مند شود».^{۳۸}

بنابراین، آنچه که از قوانین و اسناد بین‌المللی برمی‌آید، این است که اخذ آخرین دفاع از متهم، حق او و تکلیف دادگاه است؛ زیرا ممکن است متهم، در هنگام اخذ آخرین دفاع اظهارات جدیدی بیان دارد یا دلیل جدیدی ارائه کند که حاکی از بیگناهی او باشد؛ یا

۳۴. اویسبرداد، دوید، رفتار با متهم با توجه به مواد ۱۴ و ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مترجم طه، فریده، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۸۲.

۳۵. همان.

۳۶. امیرارجمند، اردشیر، همان.

۳۷. اویسبرداد، دوید، مترجم طه، فریده، همان.

۳۸. آشوری، محمد؛ بشیریه، حسین؛ هاشمی، سید محمد؛ یزدی، عبدالمجید؛ همان.

علیرغم اینکه نظر دادگاه بر بیگناهی متهم بوده، ولی متهم در آن جلسه به ارتکاب به جرم اقرار نماید.

۵) اخذ آخرین دفاع در لایحه جدید آئین دادرسی

در لایحه آئین دادرسی کیفری دو ماده به شرح زیر مشاهده می‌شود:

ماده ۱-۱۲۷، چنانچه بازپرس پیش از اعلام کفایت و ختم تحقیقات، ادله وقوع جرم را کافی بداند، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هر گاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.

ماده ۲-۱۲۷، در صورتی که متهم یا وکیل وی جهت اخذ آخرین دفاع احضار شود ولی حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.

همان طور که ملاحظه می‌شود در این دو ماده نیز، اشاره‌ای به اجباری بودن اخذ آخرین دفاع نشده است. پیش‌بینی می‌شد که با توجه به اختلافات دادرها و دادگاه‌ها در مورد اختیاری یا اجباری بودن اخذ آخرین دفاع، قانونگذار در لایحه جدید تکلیف این موضوع را مشخص نماید. ولی قانونگذار نه تنها اشاره‌ای به آن نداشته، بلکه از حداقل قوانین سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ (که اخذ آخرین دفاع را در صورتی لازم نمی‌دانستند که متهم در دسترس نباشد) عدول نموده است. منظور از ماده ۲-۱۲۷ لایحه جدید که مقرر داشته «اگر متهم یا وکیل جهت اخذ آخرین دفاع حضور نیابد بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می‌شود» چیست؟ به عبارت دیگر باید مشخص شود که این عدم حضور ناشی از اختیار متهم است یا خارج از اختیار او. چرا که در غیر این صورت از عبارت اینگونه برداشت خواهد شد که حتی اگر متهم در دسترس باشد ولی خودش حضور نیابد جلب نمی‌شود و

بدون حضور او رسیدگی ادامه پیدا می کند که این با حقوق متهم مبنی بر داشتن فرصت کامل برای دفاع از خود و آنچه که در قسمت ب گفتیم معارض به نظر می رسد. (توضیح اینکه بسیاری از متهمین از حقوق خود که بیان آخرین دفاع یکی از آنها است اطلاعی ندارند و از حضور در دادگاه حتی برای دفاع از خود هراس دارند و امتناع می ورزند)؛ لذا امید است مجلس شورای اسلامی در بازبینی و بررسی لایحه جدید به این نکته توجه داشته باشد و نسبت به انجام اصلاحات لازم اقدام نماید.

نتیجه گیری

از آن جا که بیان آخرین دفاع، آخرین مرحله برای متهم در دفاع از خود در دادسرا و دادگاه می باشد و چنانچه نادیده گرفته شده یا تضعیف شود چه بسا حقوق متهم در معرض تضییع قرار می گیرد و همچنین از آنجا که شاکی یا مقام تعقیب ادعای خود را علیه او نزد دادگاه مطرح می کنند، برای حفظ حقوق متهم، باید فرصت کافی به وی برای دفاع از خود داده شود. یکی از مصادیق امور حافظ حقوق متهم و مهم ترین آن، بیان آخرین دفاع است که ضمن آن متهم برای آخرین بار قبل از محکومیت، آخرین کلام و دفاعیات خود را برای کاستن از مسئولیت خود بیان می کند، لذا برای جلوگیری از تضییع حقوق متهم، اخذ آخرین دفاع از حقوق مسلم وی است و به همین دلیل تکلیف دادگاه نیز می باشد. بعلاوه با توجه به اصل تدافعی بودن دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی که توسط دادسرا صورت می گیرد، قبل از اعلام ختم تحقیقات توسط بازپرس یا هر مقام دیگر، این حق باید مورد لحاظ قانونگذار نیز قرار گیرد.

منابع

۱. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد پنجم، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۲. آشوری، محمد، اصل براءت و آثار آن در امور کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره بیست و نهم، ۱۳۷۲.
۳. آشوری، محمد؛ بشیریه، حسین؛ هاشمی، سید محمد؛ یزدی، عبدالمجید، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۴. استفانی، گاستون؛ لواسو، ژرژ؛ بولوک، برنار، آیین دادرسی کیفری فرانسه، موضوع و نهادهای دادرسی کیفری، مترجم دادبان، حسن، جلد اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۵. امیرارجمند، اردشیر، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۶. اویسبرداد، دوید، رفتار با متهم با توجه مواد ۱۴ و ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مترجم طه، فریده، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره چهارم، ۱۳۸۶.
۷. دلاوری پاریزی، محسن، حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تطبیق آن در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۸. رویه قضایی در ارتباط با بازپرس، معاونت آموزش قوه قضائیه، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۹. رویه قضایی در ارتباط با دادیار، معاونت آموزش قوه قضائیه، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۰. سلامی، محمد، حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۱۱. طاهر نژاد، اسماعیل، اخذ آخرین دفاع از متهم حق یا تکلیف، ۱۳۸۷، سایت دادگستری استان تهران.
۱۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۱۳. کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، نشریه حقوق مردم، شماره دوم، ۱۳۴۵.
۱۴. کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی، روزنامه رسمی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۵. گلدوزیان، ایرج، حق دفاع در مراجع قضایی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، فصل اول، شماره سوم، ۱۳۷۱.
۱۶. گلدوست جویباری، رجب، تقریرات درس آیین دادرسی کیفری، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷).
۱۷. مهرا، نسرین، تقریرات درس متون حقوقی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۸۸-۱۳۸۷).